

درک مجازی

از سینما تا مالیخولیا

مترجم

سید علی اصغر تقوی



انتشارات فراهن



عنوان و نام پدیدآور:	درک مجازی از سینما تا مالیکولیا / گردآوری و ویرایش انگلیسی ژواکیم براگا، مترجم سیدعلی اصغر تقوی
مشخصات نشر:	تهران: فراهنار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۲۲۰ ص: ۲۱/۵x۱۵/۵ - م.م.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۷-۱۱-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	Conceiving Virtuality: From Cinema To melancholy
یادداشت:	عنوان اصلی: کتابنامه: ص: [۲۰۹] - ۲۲۵
موضوع:	فلسفه در سینما
موضوع:	Philosophy in motion pictures
موضوع:	واقعیت مجازی در هنر
موضوع:	Digital media Virtual reality in art رسانه‌های رقمی
شناسه افزوده:	براکا، ژواکیم، ۱۹۲۵-م، ویراستار
شناسه افزوده:	-Braga, Joaquim, 1925
شناسه ل:	تقوی سق، علی اصغر، ۱۳۵۶- مترجم
ردیفی کنگره:	۹/۱۹۹۵PN
بندی دیو:	۴۳/۷۹۱
شماره ثبت ملی:	۶۱۱۹۱۷۷

درک مجازی (از سینما تا مالیکولیا)

گردآوری و ویرایش انگلیسی: ژواکیم براگا (Joaquim Braga)

مترجم: سید علی اصغر تقوی

ناشر: فراهنار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۷-۱۱-۲

قیمت: ۵۸/۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران خیابان انقلاب، خیابان خارک، پلاک ۲۲ واحد ۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۴۱۸۸۱

www.Farahonar.net



دیباچه

مجاز تنها مقام مجیزگویی نیست؛ فرصتی است برای حقیقت‌های پنهان تا طلوع کنند. بی‌تردید هر کس برای خود حقایقی را می‌شناسد که در میان لایه‌های مختلف ذهن تاریخ، زمان و یا مکانی را برای طلوع و مجالی را برای ظهور نیافته‌اند، قدر مسلم نیز می‌دانیم امن‌ترین جایگاه حقایق؛ یادگار فانی است، چندان که فراموش‌نشده باشند، اما؛ آن حقیقتی کامل را است و یا به کمال نزدیک‌تر است که آسایش یادسپار را نطلبیده و هر آن؛ دغدغه بروز ظهور داشته باشد. اینجاست مجالی که مجاز را برای تجلی حقایق پنهان فانی می‌تواند. این مجال مجاز؛ قلمرو و ژرفای مجاز را، برای گنجایش حقایق عظیم‌تر، افزوده و برای طلوع حقیقت پهنه‌ای زیباتر ساخته است.

تلاش برای ازبین بردن فرصت‌های حقیقی، عامل اصلی انصراف بشر به‌سوی فرصت‌های مجازی است. حقیقت؛ مجاز هرکدام مجالی را برای ظهور خواهند داشت، تأخیر و تردید در هرکدام مجال را به دیگری وامیگذارد. اگر می‌بینیم گاهی حقایق فرصت را برای ظهور دارند و عرصه برای تاخت مجاز مهیاتر است، باید بگوییم «دار و آوری» مجال به حقایق و سواس و تردید به‌خرج داده‌ایم، چراکه در مقام رصه حقیقت (نه در مقام پذیرش و یا کشف حقیقت) و سواس و تردید فرصت سوزن می‌کنند، چندان که در این مقام، مجاز؛ مجال و فرصت تجدید حیات خواهند یافت.

تحقیق حقایق در مجال مجاز کاری بس دشوار است زیرا در ساحت مجاز جمله مجیزها لباس حقیقت پوشیده‌اند. در دنیایی که جمله اجزاء آن

دیباچه

حکایت از مجاز می‌کند و کلیه عوامل و عناصر آن در هیأت مجازند، هیچ چیز از کُنه و ذات حقیقی که لازم است برخوردار نیست، بر این اساس هیچ باور حقیقی در این عالم (عالم مجاز) قابل شکل‌گیری و انسجام نیست، هرچند جمله اشیاء و اجزاء، حقیقی به‌نظر می‌رسند اما به همان اندازه از حقیقت خود به دور هستند، جمله اشیاء در این عالم با حقیقت خود در یک تناسب ظاهری بسر می‌برند که می‌توان گفت این تنها رابطه یا ریسمانی است که جمله این عالم با باور حقیقی خود دارند. تنها راه برای پیوستن حقیقت اشیاء در این عالم، برآمدن از این عالم است، این تنها به‌شایسته‌ترین سرگذشتن این عالم نیست بلکه چونان ماهیی که از اقیانوس برآمده تا به عالم حضور را مشاهده کند، باید در فراق حقیقت ذاتی خود، بال‌بال در نهایت با وصول به جهان حقایق، بی‌آرامد.

تهدید مجاز، تنها فرصت‌های حقیقی را می‌سوزاند. برای ایجاد فرصت‌های حقیقی باید از راه فاصله گرفت و مبری شد، شرایط آن است که ره را بسته و رهرو را کور می‌کنند، بهتر است بگوییم شرایط مولود افکار معیوب و مخدوش است، زیرا عقل سلیم راه را تنها، آن‌گونه که هست نمی‌نماید، بلکه آن‌طور می‌نماید که به قصد رساندن لیکن برای عقل راه نیست بلکه راه‌هاست و البته در رصدخانه عقل نیز نشه‌هاها موجود است و آنکه را نقشه راه است، از شرایط چه پاک است؟ هرچند شرایط برای ادامه حیات جمله موجودات عالم، ممکن است لازم باشد، اما آنچه در اینجا بیشتر از هر چیزی لازم است که مهیا شود همین فرصت است، باید اجازه بدهیم فرصت‌های حقیقی خودبه‌خود ایجاد شوند، در این صورت است که رویکردها به حقیقت بیشتر از قبل خواهد شد، این رویکردها به حقیقت

دیباچه

بیشتر از هر چیزی برای الزام به حقیقت و بروز و ظهور آن کارسازتر است، زیرا حقیقت؛ همیشه و همه جا باید به خودی خود روی کند، نباید این گونه بیاندیشیم که زوال مجاز به هر بهانه‌ای موجبات رشد و کمال فرصت‌های حقیقی را فراهم می‌کند، بی‌تردید این طرز فکر هیچ گزارشی از حقیقت به ما نمی‌دهد.

از این رو می‌توان گفت؛ مجاز آن محیطی است که برای رشد و کمال هر گونه جری از مجاز تا حقیقت مناسب است. شاید بتوان این گونه نیز گفت که برای مجاز خود مجالی است برای حقیقت تا به گونه‌ای دیگر در عالم روی ننهد. پس بیهوده نیست اگر تلاش کنیم حقیقت درعالم صاحب همه رویکرد باشد.

اقبال به مجاز از آثار یاساکی حقیقت است. فرق است بین آنکه در این عالم به آن اقبال باشد با آنکه به طور طبیعی به آن رویکرد باشد، اقبال به آن چیزی است که در برابرش انداز و انصاف را چیز دیگری باشد، حال آنکه رویکرد بطور طبیعی شکل گرفته و در آن سخنی از تقابل یا رویکرد مخالف یا متقابل نیست. از این رو؛ اقبال به مجاز در عالم از داشتن رویکرد به آن متفاوت است، افتادن در دامن مجاز مطلوب رویکرد نیست از حقیقت است. مادامیکه حقایق در عالم به سختی روی کنند، جهان برای سفر به مجاز مهیاست این بار؛ مجاز به خودی خود روی نمی‌کند بلکه در اثر یک جریان مخالف برای بروز مشتعل می‌شود. این جریان مادامی اتفاق می‌افتد که حقایق برای ظهور از کمتر جناحی مطالبه شوند، میل به رویکردهای حقیقی از جهاتی قابل افزایش است که تنها جنبه عامیانه نداشته و به طور خاص نیز از جمله مطالبات جامعه باشد.

گویی حقیقت برای ظهور دچار گونه‌ای از کم‌کاری است، درحالی‌که هیچ اثری از انفعال در ظاهر مجاز به‌نظر نمی‌رسد. اما بهتر است بگوییم یأس از حقیقت دارای وجوه و معانی عمیق‌تری در جامعه نیز می‌تواند باشد؛ چندان‌که می‌توان گفت کارکردهای حقیقت درعالم به‌طورکلی محدود می‌شود و جایگاه لرزان حقیقت از شأن و منزلت آن فروکاسته و بی‌پروا می‌توان گفت؛ گاهی نقش حقایق در عالم وارونه جلوه می‌کند. این همان جریان انحرافی در بروز حقایق در عالم است که رویکردها را به سمت برتری مجاز می‌کشاند. این جریان انحرافی امروزه فراتر از یک جریان انحرافی ساده است که گاه به‌عنوان جریان غالب جامعه عرصه را بر حقایق کوچک و بزرگ تسخیر نموده و جمله مجال را به مجاز وامی‌گذارد.

حقیقتی که در آن اثری از امید نباشد، از هیچ مجازی بهتر نیست. اگرچه امیدواری از جای آثار و کارکردهای مستقیم‌گرایش به حقیقت است، اما در دنیای مجاز از آن بسیار ناچیزی برخوردار بوده و چه بسا مغفول مانده و یا به‌حساب نیاید، چرا که چرخش بر مدار مجاز چندان‌که سفر به ابعاد و اعماق را برای شما ممکن می‌کند از عالم دیگر به شما هیچ خبری نخواهد داد، کشف لایه‌های جبهه و زیرای پنهان در عالم مجاز برای بشر امروز کافی است تا تمامی قوای ذهنی و جسمی او را به‌کارگرفته و برای شهود هیچ وقتی باقی نگذارد تا فرد به همپای مختصر کشفیات رضایت دهد.

باید به این نکته اهمیت داده و بر آن تأکید کرد که شهود چیزی است خارج از حوصله خرد که در هیچ رابطه و نسبتی با کشفیات عالم مجاز بسر نبرده و از آثار ارتباط مستقیم یا حقیقت است. کشفیات محصول عقل

دبیاجه

طبیعی در اثر سیر در عالم مجاز است که از این منظر هیچ نسبت ماورائی با حقیقت ندارد، سیر در ماوراء تنها محدوده سیر در انفس نیست بلکه سیر در آفاق نیز هست، از این رو سالک حقیقت فارغ از انفس باید به آفاق سفر کند، و این سفر جز برای رهرو طریقت و جز در صورت فراغت از مجاز میسر نخواهد بود. لیکن امید در حوزه حقیقت‌گرایی، خود؛ باری از تمایز را در تناسب با مجاز به‌دوش میکشد.

تردید؛ عام اصلاح در امور است که خود در طرح شکایات شایسته ظهور است، بدون فراغت از ماهیت تردید در عالم امکان، بر این اصل از اصول طریقت و شریعت تأکید می‌کنم تا پیش از هر امر ذاتی دیگری و برخلاف رواج و رویه معمول ادا در امور عالم در مذهب خلفای حدیثه، اسباب صلاحیت کافه را فراهم نمود به سلوک تردید از مجاز تا حقیقت نیز بپردازم.

آنچه به باور عامه نزدیک‌تر است و در فهم عموم نیز خوشتر می‌نشیند، این است که اصلاح پس از انقیاد امر و از بعد عقد است به این طریق که جمله امور می‌توانند پس از استقرار در عالم، محل تشکیک و سپس اصلاح باشند، چندان که امر غایب قابل تردید و اصلاح نبود، این به وجود نیز چندان که موجود نباشد محل تردید و تشکیک نیز نمی‌باشد.

صعوبت تحلیل در این باب از آنجا آغاز می‌شود که وجود در ماهیت غیرعدمی خود چندان که موجود باشد، ضرورت تشکیک و تردید را نیز خنثی نموده و بر نمی‌تابد، پس شایسته‌تر است مقام تردید و اصلاح پیش از اثبات ماهیت امر منعقد گردد.

لیکن آنچه به تقدیر بر صحت نزدیک‌تر است، احضار امور پس از اصلاح

دیباچه

است، از این رو تحقق بشر فعال برای حضور در این عالم بیش از هر پدیده دیگری ضروری می‌نماید. بر همین باور؛ آنچه پس از ایجاد امور انجام شود تنها مسمای تنقیه است و اصلاح، به امور، پیش از ایجاد متعلق است.

آنچه رفت گفتاری بیش نبود، گفتاری آلوده به خطابه و فلسفه، درخور نکوهش و سزاوار نقد و پرسش. اما آنچه پیش‌رو است، بخشی از مجموعه مقالات و گفتارهایی از چالش‌های حقیقت و مجاز در فضای علم، دانش، فلسفه و هنر. بی‌تردید در این لحظه غلبه مجازیت کوچک‌ترین جوامع سری و پررترین نقاط عالم را نیز شامل شده است، صاحبان تکنولوژی در این راه آخرین شگفتی‌ها را رونمایی کرده‌اند. اما شناخت حقیقت این جمله «نون و علو»، آگاهی از عوارض آن برای بشر و جوامع بشری راهی است ناپیموده. معارف و آگاهی‌ها در مسیر تعالی انسان پایه‌ای این مرکب تیزپا نمی‌رود و ره برایش ندان این حوزه دشوار و طولانی. حرکتی در راستای تولید علم و دانش، انتشارات فراهم‌تر آغاز شده است که نیازمند یاری و همراهی شما اندیشمندان و خواننده محترم است. نقایص این مجموعه را بر ما ببخشایید، تولیدات را دنبال کنید و با مطالعه و اظهار نظر ما را حمایت کنید، باشد که شایسته‌ی حضور در کانون گرم مطالعه و تحقیقات شما را داشته باشیم.

سید علی صفی‌ستوی

تهران - دی ماه ۱۳۹۸

فهرست مطالب

فصل اول: حقیقت سینما فراتر از مستند-تخیلی.....	۱۳
چکیده.....	۱۴
فصل دوم: ساخت دیجیتال و معانی عکس و فیلم.....	۲۹
چکیده.....	۳۱
۱. مقدمه.....	۳۱
۲. عکاسی و یک نهاد برای تاریخ.....	۳۳
۲.۲. عکاسی و معانی.....	۳۸
۲.۴. فیلم و معانی.....	۴۴
فصل سوم: واقعیت مجازی در تجربه گرایی متعالیه دلوز.....	۵۷
چکیده.....	۵۹
۳.۱. مقدمه.....	۵۹
۳.۲. وقتی مجازی واقعی است.....	۶۳
۳.۲.۱. تجربیات متعالی و احساس-تصویر.....	۶۶
۳.۲.۲. تجربه زیبایی‌شناختی فرانسویس بیکن بین زندگی و اندیشه.....	۷۳
۳.۳. نتیجه گیری.....	۷۶
فصل چهارم: واقعیت مجازی و درمان مالیخولیا.....	۸۱
سرآغاز.....	۸۱
۴.۱. مقدمه.....	۸۱
۴.۲. واقعیت مجازی در درمان.....	۸۷
۴.۳. پروژه کریستوا.....	۹۱
۴.۴. پیامدهای عناصر روانشناختی و ارتباطی.....	۱۰۶
۴.۵. نکات مربوط به بعد مجازی فرآیندهای درمانی.....	۱۰۹

۱۱۴ ۴۶. سخنان پایانی

۱۱۹ فصل پنجم: پایان مجازی؟

۱۲۱ چکیده

۱۲۱ ۵.۱. مقدمه

۱۲۸ ۵.۲. پایان مجازی

۱۲۸ ۵.۲.۱. مجازی به واقعی حمله کرده است

۱۳۲ ۵.۲.۲. مجازی به واقعی حمله کرده است

۱۳۵ ۵.۳. مجازی هرگز پایان نیافت

۱۳۵ ۵.۳.۱. تقلید

۱۳۸ ۵.۳.۲. افسانه

۱۴۰ ۵.۴. نتیجه گیری

۱۴۳ فصل ۱. دشمن واقعیت فراتر از بازتولید

۱۴۵ چکیده

۱۴۶ ۶.۱. مقدمه

۱۵۳ ۶.۳. غایت ششایی، سیمایی، و نمادی

۱۵۹ ۶.۴. کارگر و خلاق

۱۶۷ ۶.۵. زیرساخت، صوری سازی، و کنترل

۱۷۳ ۶.۶. دگر نوع سازی کلی

۱۸۱ ۶.۷. برخلاف یک ماشین

۱۹۱ ۶.۸. باروک دیجیتال

REFERENCES..... 201

Chapter 1: 201

Chapter 2: 203

Chapter 3: 205

Chapter 4: 207

Chapter 5: 209

Chapter 6: 213